

بررسی عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر رشد و توسعه اقتصادی (مقایسه ایران با سه کشور آسیایی)

مریم مقدم اصیل^۱

محمد رحیمی^۲

تاریخ وصول: ۹۷/۰۲/۱۸

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۶/۲۶

چکیده

مبنای تمدن و توسعه بر پایه روابط اجتماعی استوار است. مسأله توسعه از چالش‌های اصلی جوامع بشری می‌باشد. شناخت عوامل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی تأثیرگذار بر توسعه هدف اصلی این بررسی می‌باشد. در این مطالعه رابطه متغیرهای سلامتی، نشاط اجتماعی، آزادی، تحصیلات و همبستگی ملی با توسعه اقتصادی، اجتماعی مورد بررسی قرار گرفته است. این شاخص‌ها در چهار کشور ایران، چین، ژاپن و مالزی به تفکیک بررسی شده و برای تحلیل دقیق‌تر به مقایسه ایران با سه کشور مذکور پرداخته شده است. روش بررسی در این مقاله بصورت تلفیقی یعنی تأثیر عوامل خرد و کلان و تحلیل ثانویه‌ای از آمارهای "بررسی ارزش‌های جهانی" است. عوامل اثرگذار بر متغیر وابسته با روش‌های مختلف آماری مانند رگرسیون، میانگین و ... بررسی شده است. از متغیرهای تأثیرگذار بر رشد اقتصادی در همه کشورها احساس آزادی، احساس تعلق به جامعه و خلاقیت می‌باشد، آزمون‌ها نشان می‌دهد سرمایه اجتماعی و احساس آزادی در ایران در مقایسه با چهار کشور دیگر بسیار پایین می‌باشد و روند نزولی رشد و توسعه اقتصادی اجتماعی اصلی‌ترین پیامد این عوامل می‌باشد. مجموعه ناهمگون این عوامل منجر به شکل‌گیری وضعیت رشد و توسعه کنونی در ایران شده است.

واژگان کلیدی: آزادی، تحصیلات، همبستگی ملی، توسعه اقتصادی.

۱ - دکتری جامعه‌شناسی، مدرس دانشگاه فرهنگیان، تهران، ایران. (نویسنده مسئول). moghadamasil@yahoo.com

۲ - گروه علوم اجتماعی، واحد خلخال، دانشگاه آزاد اسلامی، خلخال، ایران.

مقدمه

ایران حدود نیم قرن است که با توجه به امکانات طبیعی بسیار ارزشمند هنوز در سطح کشورهای کم توسعه باقی مانده است. ما خواهان بررسی عوامل باز دارنده توسعه در ایران و اینکه چرا روند توسعه در کشور ما به شکل ایده ال رخ نداده، هستیم. مثلاً ایران در دوران قاجار با تاسیس دارالفنون و ژاپن با انقلاب منجی تصمیم جدی برای توسعه گرفتند. ژاپن از ۱۹۲۹ تا کنون از رتبه پایین توسعه به سطح کشورهای پیشرفته رسیده است. مقایسه ۳۰ کشور دنیا از نظر شاخص تولید ناخالص داخلی رتبه ایران ۲۲ می باشد^۱. در این مقایسه کشورهای ایران، مالزی و ترکیه با توجه به قابلیت ها و امکانات از سال ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۰ بررسی کرده ایم که در ابتدای دوره ایران بالاتر از دو کشور دیگر اما بعد از ۳۰ سال دارای پایین ترین رتبه است^۲. در بررسی دیگر مثلاً شاخص برند^۳ یا چقدر کشورمان را جهانیان می شناسند ایران رتبه ۱۱۵ را در سال ۲۰۱۲ دارا میباشد. در حالیکه از نظر جاذبه های گردشگری دهمین کشور و از نظر میراث فرهنگی پنجمین کشور جهان است (Global Bank, Social Progress Index: 2011).

از موارد با اهمیت در این کار، رابطه فاکتورهای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی با رشد و توسعه اقتصادی است، شاخص هایی مانند سلامتی، نشاط اجتماعی، آزادی، تحصیلات، همبستگی ملی و نوآوری با توسعه اقتصادی سنجیده شده است. این سنجش علاوه بر ایران برای سه کشور آسیایی چین، ژاپن و مالزی برای مقایسه و نتیجه گیری جامع تر مورد آزمون قرار گرفته است.

سرمایه اجتماعی متغیری چند وجهی است، که از شاخص های فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی تبعیت می نماید. این متغیر از سه عامل اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی تشکیل شده است. تاثیر سرمایه اجتماعی در رشد اقتصادی حائز اهمیت است (Renani, 2011: 124).

رابطه بین رشد اقتصادی و سرمایه اجتماعی نشان می دهد که در کوتاه مدت رشد اقتصادی عاملی برای ارتقاء و بهبود سرمایه اجتماعی است. اما در بلندمدت نقش سرمایه اجتماعی در رشد اقتصادی قابل توجه است. سرمایه اجتماعی مانند چسبی است که جامعه را به صورت متحد و یکپارچه تبدیل میکند. افراد جامعه بدون وجود ناظر بیرونی در جهت حفظ منافع یکدیگر و جامعه کوشا می باشند، در چنین جامعه ای فرار مغزها، دزدی، جرم، جنایت و... به حداقل میرسد حفظ مالکیت خصوصی و رشد فضای کسب و کار شکوفا میگردد، این شاخص ها میتواند از مؤلفه های اصلی رشد اقتصادی باشد (Renani, 2011:134).

آمارها^۴ و برآوردهای انجام شده در ایران نمایانگر ضعف سرمایه اجتماعی میباشد، علت این ضعف به دو بعد خرد و کلان تقسیم میشود. بعد خرد شامل عملکردها، رفتارها و انگیزه های فردی یا گروه های کوچک است و بعد کلان به نوع حکمرانی، شکل دولت، مشروعیت و مقبولیت نظام سیاسی، ضعف قوه قضائیه و نظام

1- Social Progress Index

2- world happiness index 2015

3- Country Brand Index

4- World wide Government indicators

بررسی عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر رشد و توسعه اقتصادی (مقایسه ایران با سه کشور . . .

کنترل اجتماعی و ... اشاره نمود. صاحب نظران و برنامه ریزان کلید پیشرفت و توسعه و تنها راه برون رفت از مشکلات جامعه را بهبود و ارتقاء سرمایه اجتماعی می‌دانند، هراقدامی برای بالا رفتن سرمایه اجتماعی به صورت مستقیم و غیر مستقیم در رشد اقتصادی مؤثر است، ولی این فرض بدیهی تا به حال نه تنها جدی گرفته نشده است، بلکه روز به روز شاهد افول بیشتر آن می‌باشیم. نگاه جدیدی که در این بررسی مورد توجه قرار گرفته، میتواند درآمدی برای تحقیقات بعدی و راه گشایی برای حل مسائل حال و آینده کشور باشد. در تحقیقات انجام شده^۱ توسط نهادهای بین المللی^۲ در سال ۲۰۱۵ تأکید به رابطه متغیرهای سلامتی، نشاط اجتماعی، آزادی، تحصیلات، همبستگی ملی و نوآوری با توسعه اقتصادی در بین کشورهای جهان است. بررسی‌های بین المللی گواه بر این است که هدف از توسعه در جوامع مختلف صرفاً تولید ثروت نیست و توسعه با اتکا به امور مادی و غیر مادی قابل حصول می‌باشد. مسائل کیفی مانند وضعیت سلامتی، شادابی، پیوندهای عمیق اجتماعی، احساس آزادی، احساس خوشبختی، اعتماد به نفس و... شاخص‌هایی هستند که پیوندهای اجتماعی جوامع را برای ارتقاء و رشد اقتصادی بیش از امور مادی تسهیل می‌کند و از عوامل مهم در بازسازی سرمایه اجتماعی و توسعه می‌باشند.

توسعه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی توسط افراد جامعه شکل می‌گیرد و باید دارای ویژگی‌هایی باشد که بخش عمده آن را آموزش و پرورش ایجاد می‌کند. لازم به ذکر است که هیچ نوع سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی در رساندن انسان‌ها به شکوفایی و کمال بهره‌وری به اندازه سرمایه‌گذاری در تعلیم و تربیت، خصوصاً سال‌های کودکی مؤثر و پر بازده نیست. این سرمایه‌گذاری می‌تواند شامل به‌کارگیری معلمین توانمند، تجهیزات کمک آموزشی، کمک هزینه تحصیلی، بهبود کیفیت مدارس، آموزش‌های شغلی و حرفه‌ای و... باشد. همچنین گسترش پوشش کمی آموزشی به افزایش بهره‌وری، خلاقیت، نوآوری و به تبع آن رشد تولید منجر نمی‌شود. رشد کمی دانش‌آموزان و ایجاد مدارس در سراسر کشور به هدف اصلی آموزش و پرورش تبدیل شده و به کیفیت آموزش، بکارگیری معلمین توانمند، پرورش خلاقیت و نوآوری ضرورت تشویق و پرسش‌گری توجه نگردیده است. یکی از ایده‌های اصلی آموزش در کشورهای پیشرفته، آموزش زندگی مدنی و تربیت افراد به عنوان سرمایه انسانی مورد نیاز جامعه است و هدف مهم‌تر یعنی تامین سرمایه اجتماعی که موجب همبستگی و استحکام اجتماعی گردیده، فاصله طبقاتی، قومی، فرهنگی و اجتماعی را در جامعه تعدیل نماید. آموزش و پرورش کارآمد باید بتواند کارکردهای مهارت‌آموزی، تولید دانش و انتقال هنجارها و ارزش‌هایی که پیش‌نیاز توسعه می‌باشد را تامین نماید (The Global Competitiveness Report, 2013).

در برنامه‌های توسعه محور، عدالت آموزشی به عنوان اصل بنیادین مطرح می‌باشد. یعنی فرصت‌های تازه‌ای از درک و فهم آموزش برای جامعه فراهم گردد. عدالت آموزشی دو بعد متفاوت دارد، بعدی از آن

1- world happiness index 2015

شامل توزیع عادلانه امکانات می‌باشد، یعنی فرصت‌ها و امکانات آموزشی در مناطق مختلف کشور یکسان باشد و بعد دیگر آن توجه به تنوع فرهنگی در جامعه ای ناهمگون، گسترده و متنوع است. یعنی علیرغم تفاوت‌های فرهنگی امکانات برابر توزیع گردد. عدم دسترسی به امکانات آموزشی در میان اقشار تهی دست، منجر به کاهش تحرک اجتماعی، عدم چرخش طبیعی نخبگان سیاسی، تحقق نیافتن شایسته سالاری و بازتولید نابرابری می‌گردید (خیرخواهان، ۱۳۹۵: ۲۱).

از نظر جمعیتی ایران در دورانی به سر می‌برد که به آن پنجره جمعیتی می‌گویند، یعنی بیش‌تر نیروی فعال جامعه، در سنین فعالیت هستند. ما با بهره‌گیری از فرصت جمعیتی می‌توانیم در رده ۱۰ کشور برتر جهان قرار بگیریم. ایران دارای فرصتی استثنایی است که در سال‌های آینده آن را از دست خواهد داد. این در حالی است که ۸۰ درصد جمعیت در سنین فعالیت کشورهای پیشرفته وارد بازار کار می‌شوند و میزان مشارکت زنان و مردانشان نیز تقریباً برابر است. اما میزان مشارکت در فعالیت‌های اقتصادی ایران برای مردان حدود ۵۰ درصد و زنان کمتر از ۱۵ درصد می‌باشد و بیابانگر عدم استفاده صحیح از نیروها و امکانات مان است (Global Bank, Social Progress Index, 2014).

مصرف در ایران شکل خاص خود را دارد. مثلاً یک زوج ایرانی از مانتو، چادر، بلوز، ماشین و ... تولید شده در کارخانجات نساجی ژاپن، تایوان، ترکیه، چین و ... استفاده می‌کند. مصرف کالای خارجی به عنوان یک ارزش و کالای ایرانی ضد ارزش در جامعه شناخته می‌شود (خیرخواهان، ۱۳۹۵: ۲۱). در ایران به دلایل بسیار که یکی از آن‌ها نفت می‌باشد تولید به صرفه نیست (داستان تولید بسیار مفصل و در این مقاله مجال آن نیست) و واردات بسیار سود آوراست، که از پیامدهای آن بیکاری فزاینده جوانان، ثروتمند شدن بی دلیل برخی افراد، علم بدون عمل و عمل بدون علم و ... که منجر به بحران مشروعیت، عقلانیت و انگیزه و سست شدن پایه‌های سرمایه اجتماعی گردیده است. اعتماد از مؤلفه‌های سرمایه اجتماعی است و مردم به یکدیگر، دانشگاه، معلم، استاد، دولت، کالا و تولید کننده داخلی و ... اعتماد ندارند و از نظر روانی و اقتصادی مصرف و خرید کالای خارجی، مسافرت و تحصیل و اقامت در هر کشوری را مقرون به صرفه و ارزش می‌دانند، که از پیامدهای آن بحران اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است (Global Competitiveness Report, 2013).

کاهش اعتماد و انسجام اجتماعی در سر فصل‌های زیر خلاصه شده است:

۱- آزادی: این مفهوم نه فقط یک واژه کلی، مانند آزادی سیاسی، اجتماعی، دموکراسی بلکه معنای این مفهوم طیف گسترده‌ای را شامل می‌گردد. یعنی فرد بتواند آن طور که دوست دارد لباس بپوشد، تفریح کند، غذا بخورد، به سبک دلخواه زندگی کند. در ایران این مفهوم ساده بسیار تنش‌زا و مشکل آفرین می‌باشد.

۲- حمایت اجتماعی: یعنی در هنگام نیازمندی اعم از مادی یا معنوی بتوانیم به جامعه و کشور خود اتکا کنیم و از حقوق اجتماعی مان برخوردار شویم.

۳- احساس خوشبختی: احساس خوشبختی با ثروتمند بودن متفاوت است. حس خوشبختی نشانه آرامش و نشاط در جامعه است و زمینه‌ای برای رقابت سازنده می‌باشد. این مسأله روی دیگر مفهوم فقر احساسی است. که به حالت و احساس رقابت منفی و پایین بودن اعتماد به نفس در جامعه گفته می‌شود.

بررسی عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر رشد و توسعه اقتصادی (مقایسه ایران با سه کشور . . .

۴- کیفیت رابطه: روابط افراد جامعه از نظر کمی تا اندازه‌ای مهم می باشد، مثلاً داشتن دوستان متعدد، شغل دلخواه، تحصیل در رشته مورد علاقه، اگر چه این مسائل در جای خود اهمیت دارد اما مصادیق کیفیت رابطه مانند زبان مشترک با همسر، دوستان و محیط کار و آرامش در کنار آن‌ها می باشد.

۵- جنسیت و تحصیلات: از متغیرهای مؤثر بر توسعه و سرمایه اجتماعی می باشند. آموزش به شکل رسمی و غیر رسمی می تواند زمینه ساز اتحاد و همدلی و گام مؤثری در جهت توسعه باشد.^۱

مروری بر ادبیات تجربی پژوهش نشانگر تأکید بر آموزش، انگیزه، نظام پاداش و تشویق، عضویت در شبکه های اجتماعی، نوآوری، مدیریت کارآفرین و مشارکتی و رشد و گسترش نهادهای مدنی می باشد. سوئیت برگ (۲۰۱۱) به تأثیر شبکه‌ها و نهادهای اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی بر سرمایه اجتماعی پرداخته است و ساختارهای فرهنگی را مهم‌ترین عامل انسجام اجتماعی می داند. هابرماس (۲۰۱۳) گفت‌وگوی فرهنگی را نقطه آغاز تعامل در جامعه می داند و این مهم باید با اصل احترام به تفکر، اعتقادات و آداب و رسوم طرف‌های مقابل باشد که منجر به مشارکت و همزیستی مسالمت آمیز می گردد. رونالد بروکه (۲۰۰۹) تأکید بر اهمیت متغیرهای فرهنگی دارد و عللی که به سخت کوشی در میان مدیران، متخصصان، کارگران و گروه‌های قومی و نژادی مختلف می گردد و چرا برخی افراد و گروه‌ها تمایل به کار سخت وجدی دارند و بعضی تمایل ندارند و بعضی مناطق کوشا و برخی مناطق کم کار می باشد، را بررسی می کند. آنته (۲۰۱۳) تأکید بر نقش اتحادیه‌های کارگری و نهادهای مدنی در مشارکت کارگران در اداره کارخانه و افزایش بازدهی در تولید دارد. لیپست (۱۹۹۹) در تحقیقی مقایسه‌ای فرهنگ کار را بین چهار کشور امریکا، ژاپن، چین و روسیه بررسی کرده است. در این بررسی شاخص‌هایی مانند میانگین سنی، جنسیت، وضعیت تاهل، میانگین سال‌های کاری، اندازه شرکت‌ها از لحاظ تعداد افراد تحت پوشش با سرمایه اجتماعی رابطه معنادار و مثبت دارند. مکسول از نشانه‌های اصلی سرمایه اجتماعی در هر جامعه مدیریت مبتنی بر نوآوری می باشد. التون مایو (۲۰۱۲) با انجام یک سلسله مطالعات صنعتی در شرکت وسترن الکتریک به این نتیجه رسید که آنچه سطح تولید و میزان بهره‌وری کارگران را بالا میبرد، عوامل مادی نیست، بلکه عوامل غیر مادی، مانند احساس غرور و اهمیت قائل شدن برای خود، انتخاب شدن از طرف مدیران، همبستگی گروهی، تسهیل روابط اجتماعی، آزادی عمل و سرانجام بهبود مناسبات با سرپرست محیط کار است که تعیین کننده سطح بهره‌وری می باشد. فوکویاما (۱۹۹۲) همبستگی اجتماعی و پیوند افراد در جامعه بر اساس سرمایه اجتماعی می باشد همه چیز در جامعه توسط سرمایه اجتماعی که از مؤلفه‌های آن آزادی است، شکل میگیرد. در جامعه ای که همبستگی قوی وجود دارد هویت فردی به هویت اجتماعی تبدیل میشود و منجر به ارتقاء شاخص‌های مادی و غیر مادی در جامعه می گردد. عجم اوغلو (۲۰۱۴) لزوم شکل گیری نهادهایی در جامعه که چرخه‌های ابتکار و توسعه را گسترش دهند تا مردم باور کنند که اگر کار کنند، میتوانند برخورداری و رضایت کسب نمایند. او در بررسی خود در کشورهای مختلف به این نتیجه رسید که این تصور که برخی مردم ذاتاً تن پرور، یا برخی

1- world happiness index 2015

ادیان مشوق کار و برخی دیگر مناطق جغرافیایی را عامل ضعف در سرمایه اجتماعی میدانند را تحلیلی صحیح نمی‌داند. او می‌پندارد که تاکید بر برخی جنبه‌های فرهنگی نمی‌تواند مشکل رشد و توسعه را رفع نماید و باید به نقش کلیدی نهادهایی که چرخه‌های تحول و توسعه مبتنی بر رشد فزاینده انسجام اجتماعی و ارتقاء سطح فرهنگ کار می‌گردد، توجه نمود. رنانی (۲۰۱۱) در کشورهایی که سطح نابرابری بالا می‌باشد، اعتماد افراد به یکدیگر و نظام اجتماعی، سطح همکاری، مشارکت جویی و خوش بینی به دیگران کاهش می‌یابد، مردم خود را با نظام اجتماعی، سیاسی بیگانه می‌بینند و میلی به کار دقیق و با کیفیت ندارند و بر این باورند که کار بهتر برای آنان رفاه اقتصادی به همراه نمی‌آورد.

با توجه به مطالبی که ذکر شد مسلماً بدون چارچوب نظری مناسب نمی‌توان تحقیقی علمی ارائه نمود و بر نقش افراد و عوامل ذهنی در ایجاد همبستگی اجتماعی، کار مفید و سازنده و رشد اقتصادی تأکید دارد (Weber, 1994: 197). بورديو چهار نوع سرمایه را مطرح می‌کند که سرمایه اجتماعی هماهنگی و همکاری را در جامعه و گروه‌ها، تسهیل می‌کند. سرمایه اجتماعی مفهومی مرکب است که دارای سه بعد: ساختار، محتوا و کارکرد میباشد ساختار، همان شبکه ارتباطات اجتماعی است، محتوا شامل اعتماد و هنجارهای اجتماعی و کارکرد نیز عمل متقابل اجتماعی است (Naves, 1979 : 373). بدون سرمایه اجتماعی، نمی‌توان به هیچ نوع سرمایه‌ای رسید، بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند، هرچه سرمایه اجتماعی ملتی قوی‌تر باشد، آن ملت خوشبخت‌تر، خوشحال‌تر، کارآمدتر و ثروتمندتر خواهد بود (Bourdieu, 2006 :52).

شومپیتر از پیام‌آوران تغییر در قرن بیستم است. او کارآفرینان را از عوامل اصلی تغییر می‌داند و نظام‌های مبتنی بر نوآوری و اصل تخریب خلاق را مورد نظر داشته است. یعنی هیچ چیز در جامعه ثابت نیست. دائم وضعیت بهم ریخته میشود و ایده و شکلی نو و جدید خلق میگردد. این ناآرامی، منطقی پنهان در خود دارد. یعنی در دنیای امروز پیشرفت جامعه نه تنها با کار و تلاش مستمر بلکه مبتنی بر آزادی عملکرد کارکنان و مدیران و خلق ایده‌های جدید که منجر به رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد، بنا شده است.

گراتن^۱ به تحلیل نیروهای تأثیرگذار رشد اقتصادی و تغییرات عمده در سرمایه اجتماعی مانند نشاط اجتماعی و کار در محیط‌های دوستانه و بالا رفتن اعتماد و سرمایه اجتماعی در جامعه می‌گردد. تاکید نویسنده بر این است که بین کار، فراغت، سرگرمی و زندگی عادی نباید مرزی وجود داشته باشد. در دنیای امروز مشاغلی که بهره‌وری بالایی دارند، مرزهای ساختگی بین کار، علاقه و سرگرمی را از بین برده‌اند (geratin, 2014:140).

پاتنام معتقد است جمعیت جهان روز بروز تنهاتر میشوند و فعالیت‌های منفرد جایگزین فعالیت‌های اجتماعی میگردد، مردم کمتر احساس شادی میکنند و به حکومت‌ها و نهادهای کمتر اعتماد دارند و برای

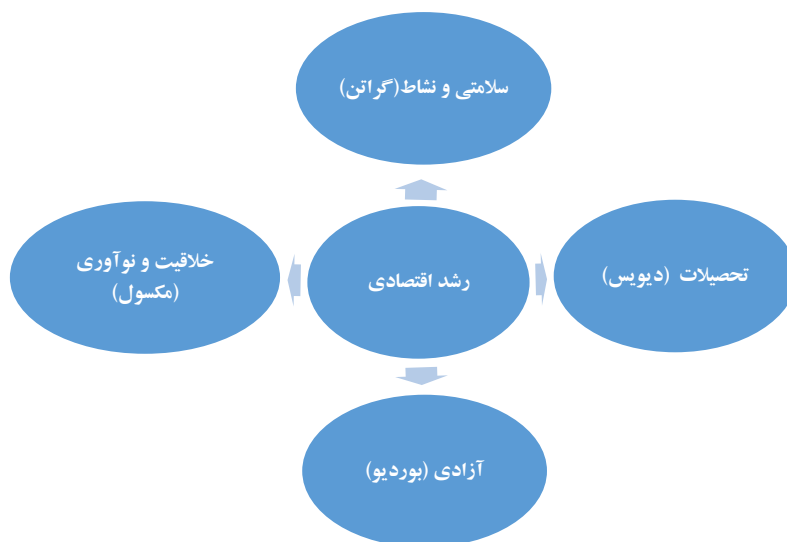
1- Gratin, Linda

بررسی عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر رشد و توسعه اقتصادی (مقایسه ایران با سه کشور . . .

رهایی از این انزوا باید با گروهی از افراد که میتوان با آنها همدل بود و با آنها روابط بلند مدت برقرار کرد، ارتباط داشت و به مجموعه ای از ایده های بزرگ رسید (greaten, 2014:136). اینگلهارت از نظریه پردازانی است که به رابطه قوی "فرهنگ و دموکراسی" اعتقاد دارد. او به رابطه ارزش ها و نگرش های عمیق و ریشه ای با سرمایه اجتماعی توجه دارد. به نظر او سرمایه اجتماعی برای تکامل تدریجی و ثبات خود به نگرش ها و گرایش های پشتیبان و حمایتی در بین عموم مردم نیازمند است او به تحلیل رابطه قوی بین دموکراسی، تحول فرهنگی و رشد اقتصادی می پردازد. تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته را به عنوان یک "عنصر علی ضروری" یاد می کند که در شکل گیری جامعه مدرن بسیار موثر است و تاکنون مورد کم توجهی واقع شده است (Engelhart, 1998, 1204).

در این مقاله رابطه برخی شاخص های سرمایه اجتماعی با رشد اقتصادی در ایران با استفاده از آمارهای پیمایش ارزش های جهانی^۱ بررسی شده است، همین کار برای سه کشور آسیایی به تفکیک صورت گرفته است. متغیرهای مستقل شامل: ۱- شاخص های سلامتی و احساس خوشحالی که در چارچوب نظرات گراتن قرار میگیرد. سلامتی مبنای زندگی است، استرس، مسائل زیست محیطی، نظام تأمین اجتماعی از عوامل تأثیر گذار بر سرمایه اجتماعی میباشد. گراتن رابطه بین نشاط و سرمایه اجتماعی را مانند یک منحنی خمیده میداند یعنی هر چه جامعه شادتر سرمایه اجتماعی بالاتر و رشد اقتصادی افزونتر میگردد. او کاهش رشد اقتصادی و فقر را از دلایل عمده ناشادمانی می داند. ۲- جنسیت و تحصیلات جزء شاخص های اجتماعی قرار میگیرد و از نظرات محمد یونس، دیویس و فایریند استفاده شد. بیکاری یا پایین بودن درآمد در بسیاری از کشورها منجر به بروز فقر واقعی (یعنی درآمد برای حداقل زندگی کافی نمی باشد) و یا فقر احساسی (که افراد خود را در مقایسه با برخی جوامع و گروه ها فقیر می شناسند) که باعث بروز برخی بیماری های روحی و روانی در جامعه میگردد. شکاف بین توقعات و امکانات و در پی آن محرومیت و ناکامی در جوامع می تواند ناشی از ساختارهای نظام اجتماعی باشد که منجر به ضعف سرمایه اجتماعی، کاهش اعتماد به نفس، عدم تلاش برای زندگی بهتر، پایین آمدن نشاط فردی و اجتماعی، سلامتی و بروز برخی آسیب های روحی میگردد، که تمام این مؤلفه ها به صورت روابط دوری و علت و معلولی منجر به سقوط اقتصادی و افت شاخص های اقتصادی بر عوامل فوق تأثیر مستقیم می گذارد.

نمودار (۱). عوامل موثر بر رشد اقتصادی از دیدگاه صاحب نظران



۳- نوآوری و خلاقیت مبتنی بر ایده های مکسول یعنی مدیریت کار آمد مبتنی بر نوآوری طراحی شده است. یعنی افراد با هر سطحی از توانمندی وقتی شغلی می یابند آغازی برای یادگیری است نباید تمام تلاششان برای یافتن شغل باشد و بعد از آن نه برای خودشان و نه نظام دلیلی برای یادگیری وجود نداشته باشد. امروز در جوامع با فرهنگ کار بالا و اقتصادهای برتر مساله یادگیری برای بقا و ارتقاء شغلی ضروری است. ۴- احساس آزادی که از فاکتورهایی مانند برابری اجتماعی، فرهنگی و تحمیل نکردن هیچ امری بر افراد جامعه تشکیل می شود، به عبارتی گذار از تک صدایی در جامعه و نیل به چند صدایی از شاخص های مهم توسعه اجتماعی و سیاسی در دنیای کنونی است. امروز هند به عنوان نمونه ای است که اقوام، ادیان و نگرش های مختلف در کنار هم با حفظ احترام متقابل زندگی میکنند. این شاخص بر پایه سرمایه اجتماعی بورديو بنا شده است. که مهم ترین علل افت انگیزه به تلاش و کوشش را ضعف سرمایه و اعتماد اجتماعی می داند. که افراد خود را نسبت به جامعه شان بیگانه احساس می کنند.

با توجه به مبانی نظری و تجربی پژوهش که ذکر گردید، در این پژوهش در جستجوی آزمون فرضیه های زیر هستیم:

- ۱- متغیر همبستگی اجتماعی با رشد و توسعه اقتصادی رابطه معنادار دارد
- ۲- سلامتی، شادابی و نشاط مردم با رشد و توسعه اقتصادی رابطه مثبت و معنادار دارد
- ۳- احساس آزادی با رشد و توسعه اقتصادی رابطه مثبت و معنادار دارد

بررسی عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر رشد و توسعه اقتصادی (مقایسه ایران با سه کشور . . .

- ۴- تحصیلات با رشد و توسعه اقتصادی رابطه معنادار دارند
- ۵- رابطه بین رشد و توسعه اقتصادی و خلاقیت مثبت و معنادار است
- ۶- شاخص های تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی بر رشد اقتصادی تأثیر مثبت دارد.

روش

این تحقیق، تحلیل ثانویه‌ای است که بر اساس داده های "پیمایش ارزش‌های جهانی"^۱ انجام شده است، هدف این بررسی مطالعه باورها و نگرش های مردم جهان در عرصه های گوناگون می باشد. سوالات پرسش نامه برای شناخت دیدگاه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی افراد طراحی شده است. این نهاد از سال ۱۹۸۱ آغاز به کار نموده و تعداد کشورهای مورد بررسی در هر دوره افزایش یافته و اکنون ۹۰٪ جمعیت جهان را شامل است. در ایران مجری این طرح^۲ موسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران است. سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر ترکیبی از شاخص های اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی تشکیل شده است. متغیرهایی که بر متغیر وابسته (سرمایه اجتماعی) تأثیرشان مورد بررسی قرار گرفته، عبارتند از سلامتی، شادابی و نشاط، احساس آزادی، تحصیلات، جنسیت و خلاقیت است، که خواهان اثبات رابطه آنها با رشد اقتصادی میباشیم این روابط با روش های مختلف با استفاده از نرم افزار SPSS, Iisrel, و Minitab مورد آزمون و تحلیل قرار گرفته است، که به طور خلاصه در ادامه بیان شده است.

۱- ایجاد مدل رگرسیون خطی و لجستیک بین متغیرهای مستقل و متغیر وابسته

۲- تحلیل مسیر یا بررسی و تحلیل رابطه متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته به ترتیب اهمیت

۳- آزمون تجزیه واریانس، آزمون F، سطح معناداری و ضریب تعیین

تمایز این بررسی نسبت به مطالعات قبلی در چند عامل می باشد. اولاً نحوه انتخاب متغیر وابسته که یک شاخص ترکیبی است، ثانیاً متغیر وابسته ترکیبی از عوامل فردی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی می باشد، ثالثاً علت و نحوه انتخاب کشورها می باشد، این کشورها آسیایی و با درجات متفاوتی از توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی می باشند که منجر به حجم بالایی از عملیات آماری و در نتیجه نائل شدن به نظریه محکم و مستدل گردیده است.

در جهت شناخت دقیق شاخص ها و مفاهیم به کار گرفته شده در این بررسی به تشریح و توضیح آنها می پردازیم.

1 - World Values Survey Online Data Analysis - WVS Database

۱- سلامتی: این واژه شامل سلامتی روحی و جسمی می‌گردد، اگر افراد جامعه از حداقل سلامتی برخوردار باشند در همه مراحل زندگی خصوصاً ارتباط و تعامل اجتماعی و کسب و کار موفق تر می‌گردند. تأمین بیمه همگانی، دریافت حقوق و مستمری در زمان بیکاری و بیماری در پذیرش مشکل و رفع آن بسیار مهم می‌باشد. این مهم با توجه به شاخص امید زندگی، درآمد سرانه، نرخ مرگ و میر قابل اندازه‌گیری می‌باشد.

۲- شادابی و نشاط: این واژه رابطه با سطح توسعه فرهنگی و یادگیری اجتماعی دارد، در جوامعی که دارای امکانات مادی زیادی نیستند ولی مردمش به دلایل مختلف شاد هستند و با حداقل امکانات شادی می‌کنند و بر عکس آن جوامعی که شاد نبودن، استفاده از رنگهای تیره و ... به عنوان ارزش شناخته می‌شود. و با شاخص‌هایی مانند نحوه گذران اوقات فراغت، نحوه تقسیم روزهای سال به عناوین شادی یا غم، ساخت فیلم‌های شاد یا تراژیک و ... تأثیر این شاخص در مؤلفه‌های اقتصادی، اجتماعی به اثبات رسیده است.

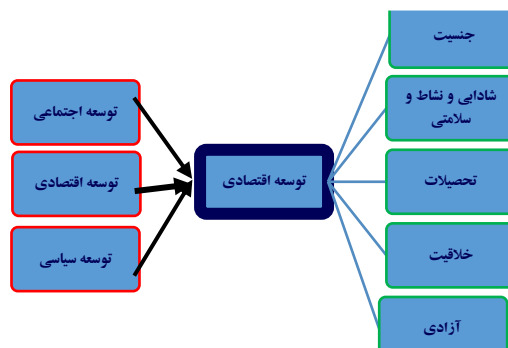
۳- تحصیلات: در ادبیات گذشته و بر اساس تحقیقات متعدد و روابط رگرسیونی و آماری رابطه مثبت و معنادار میان تحصیلات و رشد اقتصادی وجود دارد. یعنی افزایش تحصیلات باید منجر به توسعه گردد. این شاخص با سطوح مختلف تحصیلی قابل برآورد می‌باشد، یعنی در هر مرتبه شغلی اگر تحصیلات مرتبط افزایش یابد، کیفیت کار و بازدهی افزایش می‌یابد.

۴- خلاقیت: از شاخص‌های مهم و موثر بر همه ارکان توسعه می‌باشد، این شاخص تأثیر بالایی بر توسعه دارد. مفهوم خلاقیت با یک واژه قابل فهم نمی‌باشد و برای رسیدن به آن باید ساختار سیاسی، اقتصادی، اجتماعی جامعه شناخته شود. امروز دو کشور هند و چین در مقام نخست خلاقیت‌های خرد می‌باشند.

۵- احساس آزادی: این مفهوم با دموکراسی، آزادی سیاسی و اقتصادی متفاوت می‌باشد. این شاخص شامل انتخاب رنگ لباس، خوردن غذای مورد علاقه، نوع و سطح پوشش و ... می‌باشد. هرچه دارا بودن این احساس در جامعه عمیق تر باشد سرمایه اجتماعی منسجم تر می‌باشد.

متغیر سرمایه اجتماعی به عنوان یک متغیر ترکیبی از شاخص‌های اعتماد، انسجام و مشارکت اجتماعی تشکیل شده است که تأثیر مستقیم از نظام فرهنگی، اقتصادی و سیاسی جامعه دارد. و با توجه به امکانات و منابع موجود چقدر به بازدهی مورد انتظار خواهیم رسید. مثلاً با توجه به امکانات مادی و غیرمادی اختصاص یافته به آموزش و پرورش، چه میزان به اهداف مورد نظر نائل شده ایم. در نمودار شماره ۲ رابطه متغیر وابسته با متغیرهای مستقل طراحی شده است.

بررسی عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر رشد و توسعه اقتصادی (مقایسه ایران با سه کشور . . .



نمودار (۲): مدل اصلی پژوهش

یافته‌ها

فرآیند تحلیل یافته‌ها در این مقاله به این صورت است که ابتدا به رابطه متغیرهای مستقل با متغیر وابسته از طریق رگرسیون خطی و لجستیک در ایران و سه کشور دیگر اشاره شده، سپس به بررسی و استنباط متغیر وابسته در هر کشور و در نهایت به مقایسه کشورها پرداخته‌ایم.

رابطه رگرسیونی متغیرهای مستقل اثرگذار بر رشد اقتصادی (مورد ایران):

جدول (۱): جدول ضرایب رگرسیونی متغیرهای مستقل اثرگذار بر رشد اقتصادی – ایران

متغیرهای مدل رگرسیونی	ضرایب استاندارد شده		آماره t	مقدار احتمال	فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای بنا		اندازه اهمیت
	ضریب رگرسیونی	انحراف استاندارد			کران بالا	کران پایین	
ضریب ثابت	2.037	.265	7.700	.000	1.518	2.556	
شادی و نشاط	.035	.027	1.282	.200	-.018	.088	<0.001
میزان سلامتی	.043	.021	2.026	.043	.001	.085	0.011
احساس خوشبختی	0.37	.008	4.439	.000	.020	.053	0.040
سطح تحصیلات	-.023	.010	-2.384	.017	-.042	-.004	0.019
جنسیت	.078	.044	1.745	.081	-.010	.165	0.007
وضعیت اشتغال	.018	.011	1.666	.096	-.003	.040	0.003
کار پدی یا فکری	-.001	.005	-.131	.896	-.011	.010	0.007
کار روزمره یا خلاق	.105	.005	19.599	.000	.094	.115	0.327
اعتماد اجتماعی	.063	.005	11.547	.000	.052	.074	0.310
آزادی	.040	.005	7.535	.000	.030	.050	0.147

جدول ۱ نمایانگر چگونگی و اندازه تأثیر معنادار بودن شاخص‌ها می‌باشد. در این جدول از آزادی، اعتماد اجتماعی و برابری درآمد، شاخص احساس آزادی و از ترکیب تحصیلات و وضعیت اشتغال، شاخص میزان تحصیلات و از ترکیب متغیر نشاط، خوشحالی و سلامتی شاخص احساس خوشحالی و از متغیرهای کار

روزمره یا خلاق و کار یدی یا فکری، شاخص خلاقیت ساخته شده است. همچنین سطح معنی داری ($\alpha = 0.1$) در نظر گرفته شده است. همانگونه که در جدول ۱ نمایان می‌باشد خلاقیت در کار بیش‌ترین تأثیر و تحصیلات و کار یدی تأثیر منفی بر رشد اقتصادی دارند، یعنی تحصیلات بالاتر بر کیفیت کار نمی‌افزاید.

جدول ۲ که به جدول تجزیه واریانس معروف است، فرضیه زیر را مورد آزمون قرار داده است.

$$H_0: \beta_1 = \beta_2 = \dots = \beta_p = 0 \quad vs \quad H_1: \beta_i \neq 0 \quad (1 \leq i \leq p)$$

برای حداقل یک i ($1 \leq i \leq p$) $H_1: \beta_i \neq 0$ vs $H_0: \beta_1 = \beta_2 = \dots = \beta_p = 0$ نتیجه به دست آمده بیانگر رد فرض صفر (که به معنای عدم مناسب بودن مدل رگرسیونی) و پذیرش فرضیه مقابل است ($P - value < 0.001, F = 26.526$).

جدول (۲): آزمون مناسب بودن مدل رگرسیونی با استفاده از آماره F - رابطه رگرسیونی متغیرهای مستقل اثر گذار بر رشد اقتصادی ایران

منبع	مجموع مربعات	Df	میانگین مربع	F	sig
مدل اصلاح شده	۴۵۶.۹۰۵	۷۰	۶.۵۲۶	۲۶.۵۲۶	۰.۰۰۰۰
باقی مانده	۶۳۸.۷۸۳	۲.۵۹۶	۰.۲۴۶		
کل تصحیح شده	۱.۰۹۵.۶۸۹	۲.۶۶۶			

انجام مدل رگرسیون بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل پنج‌گانه (چهار کشور):

نتایج تحلیل رگرسیون متغیر وابسته و متغیرهای اصلی مستقل در جدول شماره ۳ آمده است. استفاده از این مدل رگرسیونی به ما کمک خواهد کرد که متغیرهای مستقل پنج‌گانه را به صورت توأم مورد بررسی قرار دهیم و اندازه تأثیر هر یک را بر روی متغیر وابسته دریابیم. انجام آزمون تجزیه واریانس بیانگر مناسب بودن مدل است ($P - value < 0.001$). جدول واریانس این مدل در ضمیمه آمده است. در جدول زیر به خوبی چگونگی و اندازه تأثیر و البته معنادار بودن این تأثیر به ازای هر کدام از متغیرهای مستقل آمده است.

جدول (۳): جدول ضرایب رگرسیونی در مدل فرهنگ کار و متغیرهای مستقل پنج‌گانه

متغیرهای مدل رگرسیونی	ضرایب استاندارد شده		T	مقدار احتمال	فاصله اطمینان ۹۵ درصد برای بتا		اندازه اهمیت
	ضریب	انحراف استاندارد			کران بالا	کران پایین	
جلوگیری کردن	-1.713	۰.۰۵۹	28.830	.000	1.597	1.830	
خلاقیت	۰.144	0.006	22.454	.000	0.131	.157	0.548
آزادی	۰.099	0.005	18.767	.000	0.088	.109	0.383
جمعیت	0.085	۰.015	5.823	.000	0.056	۰.113	0.037
شادابی و نشاط	0.013	۰.0030	5.155	.000	0.008	-0.019	0.029
تحصیلات	-0.0010	۰.005	-1.933	.053	0.020	0.000	0.004

نتیجه حاصل از مدل رگرسیون به صورت ترکیب خطی زیر است.

بررسی عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر رشد و توسعه اقتصادی (مقایسه ایران با سه کشور . . .

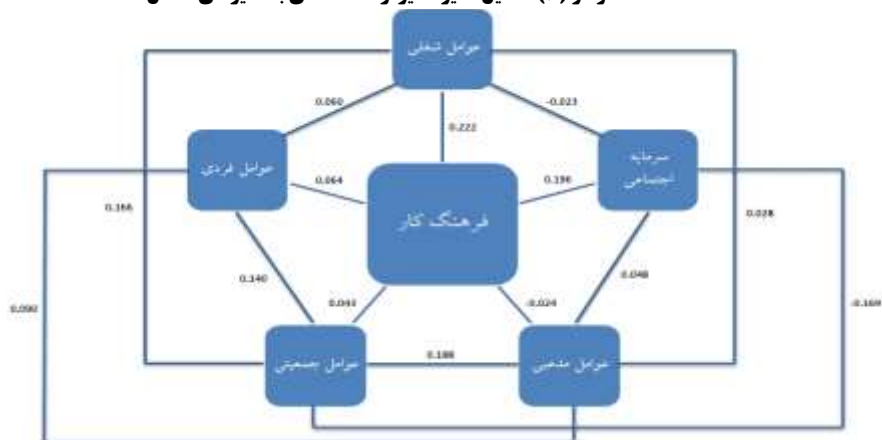
$$Y (\text{رشد}) = 1.713 + 0.144x^1 + 0.099x^2 + 0.085x^3 + 0.013x^4 - 0.010x^5$$

علاوه بر تأثیر معنادار ضریب ثابت ($\beta_0 = 1.713$)، چهار متغیر مدل یعنی خلاقیت x^1 ، آزادی x^2 ، همبستگی ملی x^3 ، نشاط اجتماعی x^4 و تحصیلات x^5 نیز دارای تاثیر مستقیم و معنادار بر رشد اقتصادی هستند. به عنوان مثال نتایج به دست آمده نشان می‌دهد افزایش یک واحدی در متغیر آزادی به اندازه ۰.۰۹۹ واحد (حدود ۱۰ درصد) رشد اقتصادی را اعتلا می‌دهد. اما مهم‌ترین عامل اثرگذار بر رشد اقتصادی عامل خلاقیت است. در ستون آخر جدول نیز اندازه اهمیت هر یک از متغیرها آمده است.

انجام تحلیل مسیر بین رشد اقتصادی و متغیرهای مستقل (چهار کشور):

در ادامه به نتایج تحلیل مسیر متغیر فرهنگ کار و متغیرهای مستقل می‌پردازیم. در اینجا به بیان مفاهیم اصلی و جزئیات کلیدی اشاره و از تحلیل تمام خروجی‌ها به دلیل گسترده بودن آن‌ها خودداری شده است.

نمودار (۳): تحلیل مسیر متغیر رشد اقتصادی با متغیرهای مستقل



آنچه از نمودار شماره ۳ تحلیل مسیر به دست آمده، بیانگر تأثیر مستقیم و غیرمستقیم سلامتی، نشاط اجتماعی، آزادی، تحصیلات، همبستگی ملی و نوآوری بر فرهنگ کار که به طور مستقیم بر رشد اقتصادی تأثیر است. این تأثیر در چهار عامل اول مثبت و افزایشی و در تحصیلات منفی گزارش می‌شود. تأثیر مثبت خلاقیت ۰/۲۲۲، جنسیت ۰/۰۶۴، آزادی ۰/۱۹۶، شادابی و نشاط ۰/۰۴۳ و تأثیر منفی تحصیلات ۰/۰۲۴- بر برآورد شده است. موضوع دیگر ارتباط غیرمستقیم متغیرهای پنج‌گانه مورد بررسی با یکدیگر می‌باشد. نمودار تحلیل مسیر رسم شده که ارتباط‌های معنادار را گزارش کرده است، نشان می‌دهد برخی از عوامل دارای تأثیر غیرمستقیم بر روی یکدیگر می‌باشند. به عنوان مثال عامل خلاقیت علاوه بر این که دارای یک تأثیر مثبت و مستقیم بر رشد اقتصادی است از طریق رابطه معنادار با شادابی و نشاط با ضریب ۰/۱۶۶ نیز در ارتباط است و از این طریق تأثیر غیرمستقیم نیز بر رشد اقتصادی دارد. نمودار فوق ارتباط‌های درهم‌تیده‌ای را نشان می‌دهد که تأثیرهای مستقیم و غیرمستقیم متغیرها بر رشد اقتصادی و همچنین بر یکدیگر را نشان می‌دهد. در جدول شماره ۴ به مقایسه متغیرهای مستقل در چهار کشور پرداخته‌ایم. همانگونه که مشاهده می‌شود. همه کشورها بجز چین احساس خوشحالی بیش‌ترین تأثیر را در افزایش رشد اقتصادی دارا می‌باشند، سپس نوآوری در کار تأثیر بالایی در افزایش متغیر وابسته داشته است. تأثیر تحصیلات در سه کشور ژاپن، ایران و مالزی بر متغیر وابسته منفی است. رابطه احساس آزادی با رشد اقتصادی در همه کشورها بجز مالزی مثبت و معنادار است. در نهایت زنان در همه کشورها دارای همبستگی اجتماعی بالاتر نسبت به مردان می‌باشند، که در ژاپن این رابطه معنادار نیست.

جدول (۴): مقایسه ضریب رگرسیونی متغیرهای مستقل پنج‌گانه در پنج کشور مورد بررسی

نام کشور	ضریب ثابت	نشاط و سلامتی	میزان تحصیلات	نوآوری و خلاقیت	احساس آزادی	جنسیت
ژاپن	۲.۳۸۰	۲۷.۰*	-۰.۰۴۹*	۱۰.۰	۰.۳۸۰*	۰.۰۶۴
چین	۱.۹۶۵	۵۱.۰	۰.۰۰۹*	۱۲۵.۰*	۰.۱۲۰*	۸۹.۰*
ایران	۰.۹۸۲	۳۵.۰*	-۲۳.۰*	۱۰۵.۰	۰.۴۰۰*	۷۸.۰*
مالزی	۱.۲۷۵	-۱.۲۰۰*	-۰.۰۴۱۰*	۱۴۸.۰*	-۰.۰۲۰*	۰.۴۵.۰*

علاوه بر اندازه ضرایب، مثبت یا منفی بودن نیز بسیار مهم است. در متغیرهایی که ضریب آن‌ها مثبت است، تأثیر بر رشد اقتصادی مستقیم و به همین ترتیب در متغیرهایی که ضریب آن‌ها منفی است، تأثیر بر رشد اقتصادی وارون گزارش می‌شود. مثلاً در تمام کشورهای مورد بررسی نوع شغل تأثیر مستقیم و معنادار بر فرهنگ کار دارند. این تأثیر در کشور مالزی بیش‌ترین و در کشور ترکیه کم‌ترین است.

جدول (۵): ضریب رگرسیونی و اندازه اهمیت مهمترین زیرشاخص از متغیرهای مستقل به ازای هر کشور

کشور	مهمترین شاخص	ضریب رگرسیونی بتا	اندازه اهمیت در مدل (درصد)
ژاپن	نوع شغل - خلاقیت	۰.۱۰۵	۷۰.۱
چین	نوع شغل - خلاقیت	۰.۱۲۵	۵۰.۵
مالزی	نوع شغل - خلاقیت	۰.۱۴۸	۴۰.۸
ایران	نوع شغلی - خلاقیت	۰.۱۰۵	۳۲.۷

بررسی عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر رشد و توسعه اقتصادی (مقایسه ایران با سه کشور . . .

نکته جالب توجه در این میان آن است که در تمام کشورها، عامل خلاقیت دارای بیشترین تأثیر مثبت و بالاترین اهمیت بر روی رشد اقتصادی است. البته میزان تأثیرگذاری و اندازه اهمیت این عامل در هر کشور متفاوت می‌باشد. به نحوی که در کشور ژاپن دارای اندازه اهمیت برابر با ۷۰.۱ درصد و در کشور ایران دارای اندازه اهمیت برابر با ۳۲.۷ درصد به دست می‌آید. به عبارت دیگر خلاقیت به تنهایی مهم‌ترین متغیر اثرگذار بر رشد اقتصادی در تمام کشورها گزارش می‌شود، اما اندازه اثرگذاری آن در هر کشور با کشور دیگر فرق می‌کند.

مدل رگرسیون لجستیک بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل پنج‌گانه (چهار کشور):

استفاده از مدل رگرسیون لجستیک به دلیل ماهیت احتمالی آن به ما کمک خواهد کرد که با در نظر گرفتن متغیرهای مستقل تا اندازه‌ای از احتمال افزایشی یا کاهش‌ی متغیر وابسته پی ببریم.

جدول (۶): ضرایب رگرسیونی آماره‌های مدل رگرسیون لجستیک متغیرهای مستقل - بر رشد اقتصادی در هر کشور

	متغیر	ضریب	مجدور خطا	اعتبار	درجه آزادی	مقدار احتمال	Exp(B)
ژاپن	احساس خوشحالی*	.596	.165	13.026	1	.000	1.815
	تحصیلات	-.040	.036	1.197	1	.274	.961
	جنسیت	.079	.051	2.448	1	.118	1.083
	نوآوری*	.246	.051	23.647	1	.000	1.279
	احساس آزادی	.015	.058	.067	1	.795	1.015
	ضریب ثابت*	-2.672	.705	14.384	1	.000	.069
مالتی	احساس خوشحالی*	.795	.176	20.377	1	.000	2.215
	تحصیلات	.128	.047	7.338	1	.007	1.137
	جنسیت	.032	.063	.264	1	.608	1.033
	نوآوری*	.904	.115	61.440	1	.000	2.469
	احساس آزادی	-.001	.068	.000	1	.983	.999
	ضریب ثابت*	-6.336	.856	54.827	1	.000	.002
چین	احساس خوشحالی	-.134	.084	2.536	1	.111	.874
	تحصیلات*	.095	.034	7.879	1	.005	1.099
	جنسیت*	.163	.031	27.194	1	.000	1.177
	نوآوری*	.500	.040	157.107	1	.000	1.648
	احساس آزادی	.053	.028	3.543	1	.060	1.055
	ضریب ثابت*	-2.453	.345	50.684	1	.000	.086
ایران	احساس خوشحالی*	.681	.090	57.385	1	.000	1.976
	تحصیلات	-.030	.025	1.490	1	.222	.970
	جنسیت*	-.130	.037	12.465	1	.000	.878
	نوآوری*	.291	.057	25.768	1	.000	1.338
	احساس آزادی*	.318	.034	89.524	1	.000	1.374
	ضریب ثابت*	-3.878	.465	69.638	1	.000	.021

* عامل مورد بررسی در سطح $(\alpha = 0.05)$ درصد معنادار است.

در جدول شماره ۶ به دلیل ماهیت رگرسیون لجستیک تمام متغیرهای مستقل به صورت توأم مورد بررسی قرار گرفته اند تا اندازه تأثیر هر یک را بر رشد اقتصادی دریابیم. به این ترتیب قادر خواهیم بود که متغیرهای معنادار را بشناسیم. در این بررسی با استفاده از شاخص رگرسیون لجستیک مشخص گردیده که خلاقیت در کار بیشترین تأثیر را بر متغیر وابسته داشته است، میتوان اینگونه تفسیر نمود که به شرط ثابت

ماندن همه عناصر با یک واحد افزایش در خلاقیت، متغیر وابسته در ایران ۱/۷ برابر افزایش می‌یابد. خط مرزی استفاده شده در مدل رگرسیون لجستیک میانگین رشد اقتصادی خواهد بود. که در نمودار شماره ۳ مشخص شده است. به این ترتیب مشاهداتی که رشد اقتصادی آن‌ها کمتر از حد میانگین یعنی $(Mean = 2.86)$ باشد، دارای رشد اقتصادی منفی و مشاهداتی که اندازه رشد اقتصادی آن‌ها بیشتر از میانگین باشد دارای رشد اقتصادی مثبت هستند. درباره مدل رگرسیون لجستیک بیان این نکته لازم است که علاوه بر ضریب رگرسیون لجستیک β که در جدول شماره ۴ قابل مشاهده است و جهت تأثیر را نشان می‌دهد، آماره e^β نیز بسیار مهم است. این آماره نشان می‌دهد به ازای افزایش یک واحد در متغیر مستقل و ثابت ماندن سایر متغیرها، رشد اقتصادی e^β برابر می‌شود. به عنوان مثال با افزایش یک واحد متغیر احساس خوشحالی و البته ثابت ماندن سایر متغیرها رشد اقتصادی در کشور ایران ۱/۹۷۶ برابر افزایش می‌یابد.

انجام مدل رگرسیون لجستیک بین متغیر وابسته و متغیرهای مستقل (چهار کشور):

در جدول ۷ اندازه تأثیر متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته را از طریق رگرسیون لجستیک بررسی نموده

ایم.

جدول (۷): تأثیرات زیر شاخصی‌های معنادار متغیرهای مستقل در مدل رگرسیون لجستیک

چگونگی تأثیر	اندازه تأثیر (Exp (B)	عوامل رگرسیونی	چگونگی تأثیر
افزایشی	1.815	احساس خوشحالی	زاپن
افزایشی	1.279	خلاقیت	
افزایشی	2.215	احساس خوشحالی	مالزی
افزایشی	1.137	تحصیلات	
افزایشی	2.469	خلاقیت	
افزایشی	1.099	تحصیلات	چین
افزایشی	1.177	جنسیت	
افزایشی	1.648	خلاقیت	
افزایشی	1.976	احساس خوشحالی	ایران
کاهشی	1.139	تحصیلات	
افزایشی	1.338	خلاقیت	
افزایشی	1.374	آزادی	

همان گونه که در جدول ۷ مشاهده می‌شود تمام عوامل معنادار و افزایشی هستند، تنها عامل کاهشی تحصیلات در ایران می‌باشد که بر اساس نظریه دیویس تحصیلات در ایران دلیلی در جهت افزایش حقوق و دستمزد نمی‌باشد، بنابراین تأثیر منفی در رشد اقتصادی داشته است.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام شده، مواردی که منجر به وضعیت کنونی ایران گردیده است را اینگونه می‌توان دسته بندی نمود و در نمودار ۴ قابل مشاهده می‌باشد:

بررسی عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر رشد و توسعه اقتصادی (مقایسه ایران با سه کشور . . .

نمودار (۴) مؤلفه های کلان توسعه نیافتگی در ایران



در بحث نهادها تعداد کمی از نهادهای جامعه مطابق نظر وبر عقلانی می‌باشند و بیش‌تر نهادها تابع سنت، نظام پدر سالاری، نظام ارباب و رعیتی و قبیله ای یا به تعبیر رضاقلی "نظام غارتی" می‌باشند (رضاقلی، ۱۳۹۰: ۵۴).

بسیاری از مشکلات جامعه ما درزمینه فرهنگ کار از قانون اساسی ناشی می‌گردد، قانون اساسی ایران در دوره ای نوشته شد که عاطفه، احساس، شور و هیجان، سنت‌ها و روابط فردی بر عقل، شعور و روابط غیرفردی غلبه کرده بود. این قانون به قلم عاطفه نوشته شد اکنون که قرار است در دوره‌ای که عقلانیت حاکم است، به کار گرفته شود، مشکلات بسیاری به‌وجود آورده است و در اجرا نیز با موانع بسیاری مواجه می‌باشد هم‌چنین در بسیاری از کشورهای توسعه یافته قاعده به جای قانون یعنی به صورت موردی اجرا می‌گردد.

اقتصاد ما از شرایطی که بتوان در آن تصمیم‌گیری عقلانی کرد خارج شده، مردم به علت بی‌ثباتی‌ها و فسادها و نگرانی‌ها پریشان هستند و احساسی عمل می‌کنند. آینده نیز مبهم است و اطلاعات در دسترس مردم ناقص و غیر قابل اعتماد است. در چنین شرایطی فعالان اقتصادی نمی‌توانند عقلانی تصمیم‌گیری کنند. بنابراین کسب و کار و تولید در فضای عدم اطمینان قرار گرفته است و امید بهبود و رونق در آن نیست (رنانی، ۱۳۹۰: ۶۳).

بسیاری معتقدند که دولت‌ها در ایران در امر نهادی کردن "وظیفه" ناتوان بوده‌اند، نتیجه‌اش اینکه حتی کارمندان دولت، هیچ ابایی از رشوه گرفتن، نافرمانی کردن، کم‌کاری و ... ندارند. در نتیجه "یک سری

ناهنجاری ها، هنجار شد^۱. آدم‌های ناهنجار، به هنجار شناخته شدند و مهم تر اینکه چنین افراد و کارها زرنگی و هوش تلقی می‌گردد (رنانی، ۱۳۹۰: ۱۲۵).

دولت‌های یکصد سال اخیر در ایران با در اختیار گرفتن درآمدهای نفتی خود به مؤسسه اقتصادی انحصاری تبدیل شده‌اند که رقابت را در جامعه ناممکن می‌سازند. در این صورت، «رانت» اقتصادی جایگزین رقابت در تولید شده و در این نظام برخورداری از مواهب اقتصادی نه با کار و فعالیت بیشتر بلکه به ارتباط نزدیکتر با قدرت سیاسی نیازمند است. در چنین فضایی، اشتیاق به کار زایل و بهره‌وری به کمترین میزان خود می‌رسد. از سوی دیگر در چنین سیستمی مردم خود را حقوق‌بگیر دولت می‌دانند و با اتکا بر این باور که کار زیاد و همراه با وجدان کاری چیزی را عاید آن‌ها نمی‌کند بلکه فقط به جیب دستگاه دولتی سود واریز می‌شود، چندان اشتیاقی به کار ندارند و موجب عافیت‌طلبی و رخوت در افراد جامعه شده است (آبراهامیان، ۱۳۹۲: ۲۰۱).

قدرت و نابرابری فساد آورااست. از ریشه‌های ضعف اقتصادی در ایران است. نابرابری در جامعه موجب رشد فساد، فحشا و عدم احساس تعلق به جامعه می‌شود. همچنین در جامعه بی که نابرابری‌های اجتماعی وجود دارد گروه‌های اجتماعی مختلف که بین شان اختلاف و شکاف وجود دارد، با گروه‌های متجانس و شبیه خود به یک همگرایی و همبستگی می‌رسند و علیه گروه‌های دیگر و نظام سیاسی تجمیع می‌نمایند (گراتن، ۱۳۹۲: ۳۱).

پائین آمدن سطح و کیفیت آموزش برای نابودی یک ملت کافی است و نیازی به حمله نظامی و لشکر کشی نیست، زمانیکه دانش آموزان اجازه تقلب داشته باشند، مریض به دست پزشکی که تقلب میکند، خواهد مرد، خانه‌ها به دست مهندسی که موفق به تقلب شده ویران خواهد شد، منابع مالی در دست حسابداری که موفق به تقلب شده، از دست خواهد رفت، انسانیت به دست عالم دینی که موفق به تقلب شده میمیرد، عدالت به دست چنین قضاتی ضایع میشود، سقوط آموزش پرورش یعنی سقوط یک ملت که مفهوم توسعه در این جامعه بی معناست.

کاهش سرمایه اجتماعی یک شاخص کلی برای سقوط اخلاق است، ضعف اعتماد اجتماعی یکی دیگر از آثار سوء ساختار سیاسی است، در جامعه‌ای که دولت رانته حاکم است مردم به دلیل وابستگی به حکومت، به افرادی منفعل و غیرمشارکت‌جو تبدیل می‌شوند و شکافی عمیق بین مردم و حکومت ایجاد می‌شود در اینجا دولت وابسته به طبقات نیست بلکه مردم هستند که وابسته به دولت هستند. این شکاف و بی‌اعتمادی بین دولت و ملت که ریشه در استبداد تاریخی دارد، براساس نظریه کاتوزیان^۱ منجر به "کوتاه‌مدت" شدن و به تعبیری "کلنگی" شدن جامعه می‌شود که در آن افراد یا در موضع انطباق محض با حکومت و یا در موضع شورش در برابر حکومت قرار می‌گیرند. در چنین جامعه‌ای سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی بلندمدت جایگاهی ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۷: ۲۷۱).

1 کاتوزیان همایون

در این مقاله به بررسی رابطه برخی متغیرهای اجتماعی با رشد و توسعه اقتصادی پرداختیم. متغیرهای مستقل با پنج عامل معرفی گردید. در ابتدای این تحقیق می‌پنداشتیم که رابطه متغیرهای اجتماعی با رشد اقتصادی موضوعی است که بیشتر از منظر جامعه‌شناسی باید به آن توجه شود در روند پژوهش احساس ما این بود که این مساله متأثر از مقولات اقتصادی است و از تولید، توزیع، بازار کار و اشتغال تأثیر می‌پذیرد اما به موازات تعمق و تامل و نتایج آماری بدست آمده در این موضوع اینک اذعان داریم که اگر چه رابطه سرمایه اجتماعی (که در اینجا با شاخص آزادی) با رشد اقتصادی موضوعی اقتصادی و اجتماعی می‌باشد، اما این مهم را باید به عنوان مقوله‌ای فرهنگی در آداب و رسوم و خلیقات فرهنگی یک ملت جستجو کرد، بدون شک خلیقات فرهنگی هر ملتی از متغیرهای متعددی تأثیر می‌پذیرد. بنابراین برای کاهش مشکلات کشور باید تغییرات اساسی در دانش، مهارت‌ها، عادات و شیوه‌های قدیمی زندگی ایجاد نمود و از طریق توجه به نقش کلیدی آزادی‌های فردی و اجتماعی، تأثیر احترام به فردیت و حقوق اجتماعی، توجه به وضعیت بهداشت، آموزش، سلامتی و تامین اجتماعی افراد جامعه می‌توان نوع نگاه مردم را تغییر داد و وضعیت کشور را اعتلا بخشید. برای تبیین دقیق این مسأله از تئوری‌های مختلف در مورد کار مانند تئوری رایبزنز، گیدنز، سرمایه اجتماعی بوردیو، شاخص‌های ارتقاء فردی گراتن، عوامل جمعیتی دیویس استفاده شد. همان‌گونه که در روش تحقیق توضیح دادیم، این بررسی تحلیل ثانویه مبتنی بر داده‌های "بررسی ارزش‌های جهانی" بوده است.

از نظر فرهنگی نقش نهاد آموزش و پرورش، خانواده، دانشگاه، رسانه‌های گروهی در رشد خلاقیت، کیفیت سلامتی، بهداشت روانی و... بسیار مهم می‌باشد. البته باید گفت نهاد‌های فرهنگی برآیند نظام سیاسی و اجتماعی می‌باشند و به تنهایی نمی‌توانند به اهداف خود نائل گردند. و بهبود کارکرد آنها نیازمند عزم ملی و تلاش همه آحاد جامعه می‌باشد. نقش روشنفکران، دانشگاهیان و محققان اجتماعی در بیان و توجیه وضعیت کنونی سرمایه اجتماعی برای مسئولین و درج مطالب در رسانه‌ها حائز اهمیت می‌باشد.

در ایران "تحصیلات" دارای رابطه معکوس و معنادار با رشد و توسعه اقتصادی می‌باشد، یعنی تحصیلات بالاتر منجر به رشد و توسعه نگردیده است، دانش عامل تحول و پویایی مشاغل است یعنی افراد با تحصیلات بالا وقتی وارد بازار کار می‌شوند باید به افزایش بهره‌وری منجر گردد (حقوق بالاتر) و در نهایت رشد اقتصادی از پیامدهای آن می‌باشد، ولی چون ساخت اجتماعی و اقتصاد سیاسی جامعه ما بگونه‌ای است که دانش منشأ ارزش اقتصادی و اجتماعی نیست، بصورت معکوس عمل می‌کند. یکی از زیر ساخت‌های خلاقیت و نوآوری تحصیلات می‌باشد ولی نیروی کار میلیونی ما علیرغم برخورداری‌های روزافزون تحصیلی زنجیره قابلیت‌های تحولات انسانی را به درستی طی نکرده‌اند. این زنجیره از توانمندسازی‌های فردی شروع و با جامعه‌پذیری، اشتغال‌پذیری، اشتغال‌زایی، یادگیری، نوآوری، کارآفرینی به بهره‌وری نیروی کار ختم می‌گردد.

به بیان دیگر باید رابطه ارگانیک بین دانشگاه، جامعه، نهاد سیاست و برنامه ریزی وجود داشته باشد. سیاست گذاران در اتاق‌های در بسته برنامه‌ریزی می‌کنند، دانشگاهیان و اندیشمندان تنها و منزوی به کار مشغول می‌باشند و در برنامه ریزی‌های خرد و کلان جامعه دخالتی ندارند و مردم در جامعه احساس تعلق خاص به کسی یا نهادی نداشته و لذا انگیزه ای برای کار، تلاش و آبادانی کشور ندارند.

بر اساس برآوردهای انجام شده در همه کشورها زنان نسبت به مردان از همبستگی اجتماعی بالاتری برخوردار هستند. در ایران اکثر زنان خانه دار می‌باشند و کمتر از مردان در محیط اداری حضور دارند، بجز بعضی مشاغل مانند معلمی، پرستاری که با روحیه زنانه شان مرتبط است. در مورد هر دو جنس یافتن شغل بسیار مشکل است، بسیاری از افراد از شغل شان رضایت ندارند ولی مجبور هستند کارشان را ادامه دهند و چون کار زنان در اکثر موارد به عنوان تامین کننده اصلی زندگی تلقی نمی‌گردد و مشکلات اقتصادی خانواده بر عهده مردان است و غالباً درآمد مردان برای مخارج زندگی کفایت نمی‌کند، آن‌ها مجبورند در چند شغل متفاوت فعالیت داشته باشند، که اصطکاک و تنش اجتماعی بوجود می‌آورد و مردان کمتر کار با کیفیت مطلوب می‌کنند، شاید مطالب ذکر شده یکی از دلایل پایین بودن رشد اقتصادی در ایران می‌باشد. مطالعات دیویس (۲۰۱۰) و معیدفر (۱۳۹۰) موید یافته‌های این بررسی می‌باشد.

مسائل اجتماعی به صورت تک عاملی قابل بررسی نمی‌باشند مثلاً خلاقیت رابطه مستقیم با نظام سیاسی و کیفیت حکمرانی در جامعه دارد، در رژیم‌های استبدادی ممکن است رشد اقتصادی داشته باشیم ولی نمی‌توان افراد را به تفکر و خلق ایده‌های نو و کار متعهدانه مجبور کرد. وضعیت اقتصادی جامعه نیز بسیار تأثیر گذار است، زمانیکه افراد برای حداقل معاش باید در چند نوبت کاری تلاش نمایند، جایی برای نوآوری و تفکر خلاق باقی نمی‌ماند. در چنین جامعه ای همه نیروهای فکری در جامعه صرف راه‌های میان بر و غیر اصولی می‌گردد و افراد خلاق زرنگ و باهوش و افراد قانون‌مند کم استعداد و تنبل شناخته می‌شوند.

خلاقیت نیز از عوامل مؤثر بر توسعه است، در همه کشورها تأثیر بالایی در توسعه داشته است، خلاقیت دارای رابطه معنادار با متغیر وابسته و نسبت به سایر شاخص‌ها ضریب رگرسیونی بالاتری را دارا می‌باشد. ولی این مهم در ایران در مقایسه با سایر کشورها پایین‌تر می‌باشد. واقعیت امر این است که تأثیر تلاش فردی افراد جامعه در سطح خرد که منجر به رشد اقتصادی و افزایش سطح رفاه مادی در سطح کلان جامعه می‌گردد دارای الگویی است که حتماً باید به آن توجه کرد. بطور قطع فرایند از کار شروع و به رفاه و انسجام اجتماعی ختم می‌شود. فرآیند مذکور را می‌توان بدین گونه در نظر گرفت: (۱) انگیزه (۲) تلاش و تحقیق (۳) ایده‌های نو بر پایه استانداردهای جهانی (۴) توانایی عملیاتی کردن ایده‌ها در تولید (۵) ایجاد اشتغال بیش‌تر (۶) ایجاد ثروت و درآمد بیش‌تر (۷) افزایش بهره‌وری نیروی کار و سرمایه اقتصادی (۸) افزایش درآمد سرانه (۹) رفاه بالاتر و مجدداً خلاقیت بالاتر و تحقیق و توسعه کارآمدتر و ورود به مدار یا علیت در هم فزاینده وحدت ملی، کار و رفاه که مجدداً فرد و جامعه را در مسیر صحیح قرار می‌دهد. این مسیر برای جوامعی که دچار ضعف سرمایه اجتماعی می‌باشند، به این شکل نمی‌باشد. نتایج بدست آمده در این بررسی مؤید یافته‌های رابینز (۱۳۹۲) است.

بررسی عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر رشد و توسعه اقتصادی (مقایسه ایران با سه کشور . . .

متغیر آزادی علاوه بر آزادی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بلکه شامل آزادی‌های در ظاهر کوچک فردی مانند انتخاب رنگ و شکل لباس، سطح پوشش، نوع و شکل رفت و آمد، کار، انتخاب دوست یا به عبارت دیگر اجباری در تصمیم‌گیری زندگی خصوصی افراد نباشد. بدون احساس آزادی توسعه و خیزش اقتصادی ممکن نیست به عبارت ساده‌تر افراد جامعه باید احساس کنند که آن طوری زندگی می‌کنند که خودشان دوست دارند. در همه کشورها به جز ژاپن این شاخص دارای رابطه مثبت و معنادار با متغیر وابسته می‌باشند. در ایران این شاخص نسبت به سایر کشورها بالاتر است. شاید بتوان گفت توجه به این شاخص می‌تواند در جهت افزایش سرمایه اجتماعی و نهایتاً رشد و توسعه اقتصادی، جامعه ما نقش کلیدی داشته باشد. نتایج بدست آمده در این بررسی مؤید یافته‌های بوردیو (۱۳۹۰) است.

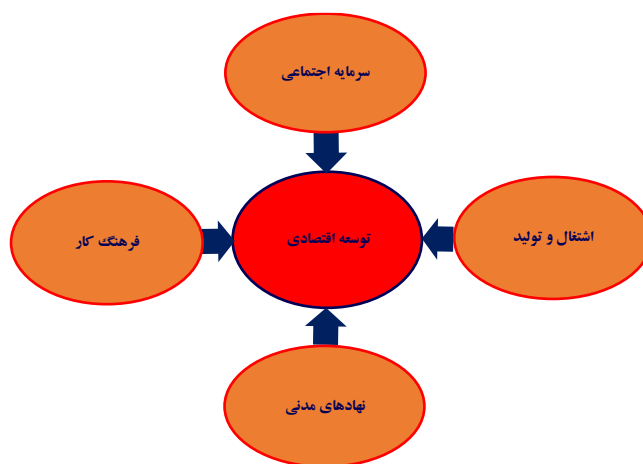
شاخص‌هایی مانند میزان سلامتی، احساس خوشحالی و استقلال فردی از مؤلفه‌های اصلی تشکیل دهنده فرضیه ما می‌باشد. توجه به سلامتی، بیمه همگانی، تغذیه و هوای سالم از شاخص‌هایی است که با رشد سرمایه اجتماعی و اقتصادی در همه کشورها به استثنای چین دارای رابطه مثبت و معنادار می‌باشد. در ایران این شاخص نسبت به سایر کشورها بالاتر است. شاید بتوان این‌گونه تحلیل نمود که توجه به شاخص‌هایی مانند سلامتی و نشاط موجب افزایش سرمایه اجتماعی و اقتصادی می‌گردد و از علل اصلی مشکلات در ایران بی‌توجهی به این شاخص‌ها می‌باشد. در ایران بنا بر برخی ملاحظات، شاد بودن، استفاده از رنگ‌های روشن و خندیدن ... مورد پذیرش جامعه و افکار عمومی نمی‌باشد، بسیاری از ارزش‌ها به ضد ارزش تبدیل شده است. مجموعه این عوامل منجر به شکل کنونی وضعیت جامعه ما گردیده است. نتایج بدست آمده در این بررسی مؤید یافته‌های گراتن (۲۰۱۲) است. در نهایت تأثیر کلیدی ساختارهای نهادی جامعه در ضعف یا قوت سرمایه اجتماعی و اقتصادی بسیار حائز اهمیت می‌باشد، که در نمودار شماره ۵ قابل مشاهده می‌باشد. یعنی اگر تحولات نهادی در راستای امر توسعه صورت نگیرد هر تلاشی برای بهبود وضعیت جامعه در نهایت خنثی شده و تحولی بوجود نمی‌آید. آنچه تاکنون در ایران معاصر شاهد آن بوده‌ایم فقدان تحولات نهادی متناسب با سطح مورد نیاز توسعه بوده است.

در نهایت مسئله‌ای که در ابتدا به‌عنوان پرسش اصلی تحقیق مطرح شد را می‌توان اینگونه دسته‌بندی کرد که مهم‌ترین شاخص‌های تأثیر گذار بر سرمایه اجتماعی و اقتصادی عبارت از شادی و سلامتی، دانش و تحصیلات، خلاقیت و نوآوری، احساس آزادی و برابری حقوق اجتماعی و رعایت قانون می‌باشد، که این عوامل نمودار شماره ۶ را می‌توان یافته اساسی این بررسی در نظر گرفت که برای اعتلای سرمایه اجتماعی در جستجوی فراهم‌سازی آن می‌باشیم.

در نهایت بررسی‌های بدست آمده مؤید سرمایه اجتماعی پایین در ایران نسبت به چهار کشور دیگر می‌باشد. فرضیه‌هایی که خواهان اثبات آن‌ها بودیم، مورد تأیید واقع شدند. متغیر احساس آزادی در ایران بیش‌ترین تأثیر را بر سرمایه اجتماعی داشته، سپس نقش شاخص خلاقیت و در مرحله سوم احساس نشاط، شادی و سلامتی و تأثیر منفی تحصیلات اثبات گردید، در ایران به دلیل زیر ساخت‌های غلط اقتصادی، اتخاذ سیاست‌های بازرگانی نامناسب واردات کالا جایگزین ایده‌های نو در تولید و ابتکار و خلاقیت گردیده است،

درصد بیکاری آشکار و پنهان بسیار بالا می‌باشد، سیاست‌مداران از راه‌های مقطعی مقابله با بیکاری، رشد روزافزون مراکز دانشگاهی و ... استفاده کرده‌اند، که کارکردهای لازم را برای توسعه در ایران نداشته است.

نمودار (۶): مؤلفه‌های اساسی ارتقاء رشد اقتصادی



بر مبنای مطالعات گسترده‌ای که برای این مقاله انجام گرفته است و همچنین بر اساس نتایج حاصله می‌توان گفت:

- ۱- نهادینه کردن فرهنگ کار که از شاخص‌های اصلی رشد اقتصادی است، باید از خانواده آغاز گردد و آموزش و پرورش نقش اساسی در ترویج این مهم دارا می‌باشد.
- ۲- نظام آموزشی ما نتوانسته است، فرهنگ غنی کار را در جامعه گسترش دهد.
- ۳- از زمان تأسیس دارالفنون آموزش ریاستی و پشت میز نشینی بر آموزش کار یدی اولویت داشته است.
- ۴- عدم نظارت صحیح و تمایز بین کار صحیح و غلط، یعنی افراد در رده‌های شغلی برابر حقوق یکسان دریافت می‌کنند.
- ۵- برای بسیاری از مشاغل و پست‌ها تعریف دقیقی وجود ندارد. برای اینکه جامعه در مسیر پیشرفت قرار گیرد باید پست‌ها بر اساس تخصص و دانش باشد.
- ۶- مهم‌ترین آسیب پایین بودن فرهنگ کار فقط به شخص یا هزینه‌های جاری مرتبط نمی‌شود، بلکه تداوم آن موجب نهادینه شدن فرهنگ تنبلی در جامعه می‌گردد.
- ۸- انسجام اجتماعی بستر رشد جامعه را فراهم می‌کند، بنابراین شهروند سازی و توجه به شهروندان باید در دستور کار دولت‌ها قرار گیرد.

بررسی عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر رشد و توسعه اقتصادی (مقایسه ایران با سه کشور . . .

۹- سرمایه انسانی سهم اساسی و بنیادی در بهره‌وری دارا می‌باشد، بنابراین توجه به تغذیه، بهداشت و سلامتی افراد جامعه بسیار مهم می‌باشد.

منابع

- احمدی، سیروس. (۱۳۹۱). بررسی فرهنگ کار و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن، فصلنامه جامعه‌شناسی کاربردی، دوره ۲۳، شماره ۲.
- آریان‌پور، عباس و آریان‌پور، منوچهر. (۱۳۸۵). فرهنگ انگلیسی به فارسی، تهران، امیرکبیر، ص ۷۷۴.
- ایان ارنست، ماکسول. (۱۳۹۱). مدیریت بر پایه نوآوری پایدار، ترجمه‌ی حسن هفده تن، تهران: مؤسسه کار و تأمین اجتماعی، ص ۱۲۱.
- سوئد برگ، ریچارد. (۱۳۹۲). منفعت طلبی و ساختار اجتماعی، ترجمه‌ی علی اصغر سعیدی، تهران: لوح فکر.
- توسلی، غلام‌عباس و نهایندی، مریم. (۱۳۷۸). مطالعه تجربی اخلاق کار با تأکید بر جنسیت، زن در توسعه و سیاست، تهران دوره ۶، شماره ۳.
- بشیریه، حسین. (۱۳۸۱). موانع توسعه سیاسی در ایران، تهران: گام نو.
- دورکیم، امیل، (۱۳۸۰). درباره‌ی تقسیم کار اجتماعی، ترجمه‌ی باقر پرهام. تهران: نشر مرکز.
- دورکیم، امیل. (۱۳۹۰). تربیت و جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی فریدون سرمد. تهران: انتشارات کند و کاو.
- رایبیز، استیفن. (۱۳۹۳). رفتار سازمانی، ترجمه‌ی علی پارسائیان، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- رنانی، محسن، مویدفر، زینتا. (۱۳۹۰). چرخه‌های افول اخلاق و اقتصاد. تهران: انتشارات طرح نو.
- ریشه، گی. (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی تالکوت پارسنز، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک گهر، تهران: موسسه فرهنگی انتشارات تبیان.
- اینگلهارت، رونالد. (۱۳۷۳). تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی، ترجمه‌ی مریم وتر، تهران: نشر کویر.
- ریتزر، جرج. (۱۳۸۹). مبانی نظریه جامعه‌شناختی معاصر و ریشه‌های کلاسیک، ترجمه‌ی شهناز مسمی‌پرست. تهران: ثالث.
- رئیس دانا، فریبرز، شادی‌طلب، ژاله. (۱۳۷۹). فقر در ایران. تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۰). درآمدی بر دایره‌المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- سن، آمارتیا. (۱۳۸۸). هویت و خشونت، ترجمه‌ی فریدون مجلسی تهران: انتشارات آشیان.
- عجم‌اوغلو، دارون، رایبیسون، جیمز. (۱۳۹۰). ریشه‌های اقتصادی دیکتاتوری و دموکراسی، ترجمه‌ی علی سرزعی و جعفر خیرخواهان، تهران: انتشارات کویر.

مطالعات علوم اجتماعی ایران، سال پانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، تابستان ۱۳۹۷

- عجم اوغلو، دارون، رابینسون، جیمز. (۱۳۹۴). چرا ملت‌ها شکست میخورند، ترجمه‌ی محسن میردامادی و محمد حسین نعیمی پور، تهران: انتشارات روزنه.
- انتظاری، علی، وجدائیان، مرضیه. (۱۳۹۰). بازنمایی فرهنگ کاردر کتاب‌های داستانی کودکان، مجله راهبرد فرهنگ مؤسسه تأمین اجتماعی. دوره ۴، شماره ۱۵-۱۴.
- فروند، ژولین. (۱۳۶۲). جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه‌ی عبدالحسین نیک گهر. تهران: نشر نیکان.
- فیوضات ابراهیم. (۱۳۸۴). نقش تشکلهای صنفی در تقویت فرهنگ کار، هفته‌نامه آتیه، شماره ۵۴۹.
- کاتوزیان، همایون. (۱۳۸۷). ایرانیان (دوران باستان تا دوره معاصر). ترجمه‌ی حسین شهیدی، تهران: نشر مرکز.
- کوز، رونالد، وانگ، نینگ. (۱۳۹۳). چین چگونه سرمایه داری شد، ترجمه‌ی پیمان اسدی، تهران: دنیای اقتصاد.
- کوزر، لوئیس. (۱۳۷۲). اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه‌ی محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- گراتن، لیندا. (۱۳۹۲). هنر ساختن آینده‌ی کار، ترجمه‌ی مسعود بینش و سیما مهذب، تهران: نشر پژوهش.
- گرب، ادوارد. (۱۳۸۱). نابرابری اجتماعی، ترجمه‌ی محمد سیاهپوش، احمدرضا غروی‌زاد، تهران: نشر معاصر.
- معید فر، سعید. (۱۳۸۱). فرهنگ کار، مجله کار و جامعه، شماره ۴۳.
- معیدفر سعید. (۱۳۸۳). اخلاق کار و عوامل موثر بر آن در کارکنان ادارات دولتی، دوره ۶، شماره ۲۳.
- هاشمی، مژگان. (۱۳۸۴). بررسی شیوه‌های ایجاد فرهنگ کار و تلاش در فرزندان شاهد خراسان، طرح پژوهشی بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان رضوی.
- وبر، مارکس. (۱۹۷۳). اخلاق پروتستانی و روح سرمایه داری، ترجمه‌ی عبدالکریم رشیدیان، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- نپاوندی، مریم. (۱۳۸۰). بررسی اخلاق کار و عوامل فردی و اجتماعی مؤثر بر آن، تهران: انتشارات وزارت کار و تأمین اجتماعی.
- Beck, Ulrich & Giddens, Anthony Lash, Scott (1994). Reflexive Modernization. Politics, Tradition and Aesthetics in the Modern Social Order, Stanford: Stanford University Press.
- Confucianism and Democratization in East Asia Department of Education, Office of Planning, Evaluation, And Policy Development, Washington, DC. (2009). Evaluation of Evidence- Based Practice in Online Learning, A Meta-Analysis and Review Of Online Learning Studies. Accessed at <http://WWW.ed.gov/rschstat/eval/tech/evidence-based-practices/finalreport.pdf>

بررسی عوامل اجتماعی تأثیر گذار بر رشد و توسعه اقتصادی (مقایسه ایران با سه کشور . . .

- Easter in Richard A. (1981). Why Isn't the Whole World Developed? Journal Of Economic History,41,1
- Florida, R. (2002). The Rise of the Creative Class: And How It's Transforming Work, Leisure, Community and Everyday Life, New York, Basic Books.
- Florida, R. (2010). The Great Reset: How New Ways Of Living and Working Drive Post-Crash Prosperity. New York: Harper Collins.
- Giddens, Anthony. (1984). the Constitution of Society, *Berkeley: University of California Press.*
- Harrison, Rayden. (1965). Before the Socialists: Studies in Labor and Politics, 1861-1881, London: Routledge Keegan and Paul.
- Ingle hart, Ronald. (1988). "The Renaissance of Political Culture" American Political Science Review, December, Vole 82, No4. PP 1203-1230
- Lewis, Arthur W. (1954). Economic Development with Unlimited Supplies of Labor, Manchester School Of Economic and Social Studies,22,139-91.
- Lip set, Seymour M. (1963). Political Man, New York: Anchor Books.
- Nurse, Ragnar. (1953). Problems of Capital Formation in Underdevelopment Countries, New York :Oxford University Press.
- Rodan, Gary. (1998). Singapore in 1997:Living With The Neighbors, Asian Survey,38,177-82.